

داریوش بایندر

شاه، انقلاب اسلامی
و ایالات متحده

ترجمه محمد آقاجری



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: بایندر، داریوش، ۱۹۳۹ م. Bayandor, Darioush
عنوان و نام پدیدآور: شاه، انقلاب اسلامی و ایالات متحده/ داریوش بایندر/ ترجمه محمد آقاجری
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۴۹۶ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۳۸-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: The Shah, the Islamic revolution and the United States, 2018
موضوع: محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۳۹۸-۱۳۵۹/ایران -- تاریخ -- پهلوی -- ۱۳۲۰-۱۳۵۷/ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- علل
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۵۰۱
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۸۳۵۲۳



■ شاه، انقلاب اسلامی و ایالات متحده

داریوش بایندر
ترجمه محمد آقاجری
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
چاپ و صحافی: احمدی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۹، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

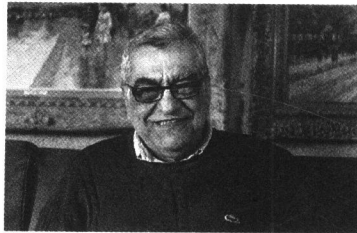
طبقه سوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف‌آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴



داریوش بایندر

دیپلمات و کارگزار سیاسی ایران در دوره محمدرضا پهلوی. از سوابق او می توان به این موارد اشاره کرد: عضویت در دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل، مدیر دفتر منطقه‌ای امریکا در وزارت امور خارجه، مشاور سیاست خارجی نخست وزیری در سال های پایانی سلطنت پهلوی، هماهنگ کننده منطقه‌ای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در بنگلادش و کنگو، عضویت در دفتر هماهنگی اقدامات بشردوستانه.

فهرست

۹	مقدمه نویسنده
۱۳	یادداشت‌ها
۱۵	اختصارات
۱۷	بخش اول: محیط پیش از انقلاب
۱۹	فصل اول: نگاهی به گذشته
۴۵	فصل دوم: نظام شاهنشاهی
۱۱۷	بخش دوم: در آستانه انقلاب
۱۱۹	فصل سوم: در سراشیب سقوط
۱۴۱	فصل چهارم: مخالفان
۱۶۳	فصل پنجم: تغییر شگرد (۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶)
۱۸۱	بخش سوم: انقلاب
۱۸۳	فصل ششم: ۱۳۵۶؛ سال پرخطر
۲۰۵	فصل هفتم: اخگر انقلاب (بهار ۱۳۵۶)
۲۲۳	فصل هشتم: بازیگران، راهبردها و ساختارها
۲۴۳	فصل نهم: پرونده آبادان

۸ ■ شاه، انقلاب اسلامی و ایالات متحده

- ۲۵۵..... فصل دهم: آشتی جویی و امتناع
- ۲۷۵..... فصل یازدهم: شمارش معکوس در ماه اکتبر
- ۳۰۵..... فصل دوازدهم: واپسین دم در آبان
- ۳۲۷..... فصل سیزدهم: افسون نظامی؛ نخست وزیر غلامرضا ازهاری
- ۳۵۱..... فصل چهاردهم: سرگشتگی کارت
- ۳۷۹..... فصل پانزدهم: اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب ایران
- ۳۹۱..... فصل شانزدهم: آغاز عصری نوین
- ۴۱۷..... فصل هفدهم: کوشش ایالات متحده برای گفتگو با آیت الله خمینی
- ۴۲۷..... فصل هجدهم: غزل خدا حافظی
- ۴۴۵..... فصل نوزدهم: فروپاشی

مقدمه نویسنده

این کتاب نگاهی گذشته‌نگر به رویدادی دارد که دارای اهمیت و تأثیر تاریخی نادری است. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جدای از اینکه جامعه ایرانی را به گونه‌ای ماندگار دگرگون کرد، سیمای سیاسی خاورمیانه را با پیامدهایی چنان دامن‌گستر تغییر داد که در گستره سیاست جهانی همچنان به شدت طنین انداز است.

گذشت چهار دهه، روش اندیشی کافی را برای بررسی دوباره همه عوامل، با وجود تنوع پیچیده آن‌ها فراهم می‌کند؛ همه عواملی که به شکل‌گیری آن رویداد بنیادین منجر شدند. این روایت در حال و هوایی از دگرسازی‌های اجتماعی-اقتصادی قرار داده می‌شود که نظامی خودکامه و نوگرا با وجود واکنش‌های شدید فرهنگی سعی در اعمال آن‌ها داشت. این روایت ترسیم‌گر محیط پیش از انقلاب ایران در دهه ۱۳۵۰ است و شرح می‌دهد چگونه به سبب مجموعه‌ای از خطاهای بنیادین، دوگانگی فرهنگی و تحولات بیرونی همه‌گستر، یعنی حال و هوای دوران پس از جنگ ویتنام و تصوراتی درباره ظهور دولت کارتر در آمریکا، این کشور سر به طغیان برداشت و حاکم رنجور آن زمام قدرت را از دست داد.

نظام پادشاهی با افت و خیزهایی یک‌هزار سال بر ایران حاکم بود، با این حال، سقوط آن در بهمن ۱۳۵۷ ممکن بود یکی از ویژگی‌های غیربرجسته خاورمیانه پس از جنگ باشد، اما به سبب دو ویژگی با ارتباط متقابل چنین نشد. نخست اینکه انقلاب اسلامی ایران همانند انقلاب‌های روسیه و فرانسه در گذشته، بر اساس آرمان و اصول روی داد. پیامدهای آن مرزهای

ملی را در نوردید و این منطقه را در درگیری‌ها و کشمکش‌های بیپای غوطه ور ساخت. دوم اینکه برخلاف تصور عموم، انقلابی که رهبری آن را آیت‌الله خمینی در دست داشت، کشمکشی علیه رژیم منفرد یا خاندان حاکم نبود، هرچند دشمنی [آیت‌الله] خمینی با دو شاه دودمان پهلوی بسیار ریشه‌دار بود. سمت و سوی اصول مورد نظر وی این بود که به حکومت غیر دینی بر ملتی مسلمان پایان بدهد و دودمان پیامبر را به قدرت برساند؛ دودمانی که کوتاه‌زمانی در صدر اسلام حکومت کرده و در نبرد کربلا در سال ۶۱ هجری سرکوب شده بود.

این کتاب همچنین پی‌جوی عوامل خارجی است، گرچه ترکیب انقلاب به گونه‌ای بی‌همتا داخلی بوده است. تاریخ این رویداد تحول‌ساز را نمی‌توان به‌طور کامل و جدای از تأثیراتی درک کرد که از سوی کانون‌های اصلی قدرت در خارج یا به سبب دسیسه‌های سنجیده و جناحی در حکومت کارتر، به درون کشور رخنه کردند. بخش‌های متعددی از این کتاب به بررسی این جنبهٔ اخیر اختصاص یافته و بر اساس یافته‌های تازه در برخی منابع آمریکایی است که تاکنون استفاده نشده بوده‌اند. امیدوارم این اقدام کمکی باشد در یافتن پاسخ برای پرسشی دیرپای که در میان ناظران امور ایران مورد بحث بوده است، البته با توجه به نظریه‌های ماندگار توطئه و حدس و گمان‌های همچنان رایج در مورد دخالت‌های بیگانگان.

سرانجام اینکه مسئلهٔ گریزناپذیری انقلاب موضوعی است که این کتاب در نظر دارد بدان بپردازد. تاریخ‌نگار انقلاب‌ها در دانشگاه هاروارد، کلارنس کرین بریتون^۱ زمانی مطلبی را نوشت که زیگنیف برژینسکی در خاطرات خود آن را نقل کرد: انقلاب‌ها تنها زمانی گریزناپذیر می‌شوند که روی داده‌اند.^(۱) سیاستگذاری‌های مبتنی بر داوری خطا و بیراهه‌پیمایی در این راستا که آتش انقلاب را برافروخت، بالذاته اموری اجتناب‌پذیر هستند، چنان‌که در این پژوهش نشان داده خواهد شد بیشتر آن‌ها ناشی از خطاهای فراگیر بودند، اما خطاهایی که پیامدهای بیشتری داشتند، ناشی از فرمان‌های پرخروش مردی بودند که در رأس همهٔ امور قرار داشت، یعنی محمد رضا شاه پهلوی. شاید بیماری او با داوری خطا و تزلزل رأی همراه شده بود. شاه همچنین رهبری بود که نمی‌خواست ملت را در جنگ داخلی غوطه‌ور سازد تا تاج و تخت خود را نگاه دارد. چند فصلی از این اثر خاص روشن‌گری دربارهٔ این جنبهٔ معما هستند. و نیز مسئله‌ای غایی وجود دارد که باید بر آن تأکید شود. این موضوع حتی امروزه نیز احساسات شدیدی را در میان ایرانیان، با هر گونه گرایش سیاسی که داشته باشند، دامن می‌زند. با

این حال، هدف این کتاب این است که اثری غیرسیاسی و به دور از داوری باشد. من در توصیف پیشکسوتان هر دو سو، با سرسختی مقید به استفاده از شواهد و مدارک موثق بایگانی‌ها بوده‌ام؛ وظیفه مورخ فراهم‌سازی داده‌ها و تشریح حقایق، اما خودداری از نتیجه‌گیری است که در بیشتر موارد وابسته به ذهنیت است. هیچ‌کس در صفحات پیش رو محکوم یا متهم نمی‌شود. من بسیار سپاسگزار انتشارات پالگریو^۱ هستم، چرا که انتشار این کتاب فرصتی به من داد تا آنچه را که گزارش و شرحی مبتنی بر واقعیت دربارهٔ این رویداد اساسی می‌دانستم، با دیگران در میان بگذارم. از خوش‌اقبالی من بود که توانستم با افرادی کاردان و پیشرو در بخش تاریخ انتشارات پالگریو در نیویورک و نیز بخش‌های جنی‌آن همکاری کنم. همچنین بسیار سپاسگزار مگان لادوساو^۲ و کریستین پار دو^۳ هستم. در پژوهش‌هایم برای نگارش این کتاب این مزیت را داشتم تا از بایگانی مؤسسه تحصیلی بین‌المللی و توسعهٔ ژنو و شبکهٔ دیجیتال وسیع مواد دانشگاهی و نیز کتابخانهٔ عظیم آن‌ها استفاده کنم. ویراستار آزاد، سوزان کافمن^۴، به من در تنظیم دست‌نویس کتاب، بنا بر شیوه‌نامهٔ دانشگاه شیکاگو کمک کرد. دوست قدیمی و همکار دانشگاهی‌ام، بیژن دولت‌آبادی، فصل‌های متعددی از دست‌نوشته‌ها را خواند و ملاحظات بخردانهٔ خود را با من در میان گذاشت. همچنین دوست قدیمی دیگرم، ایرج امینی، که خود نویسندهٔ آثار بارزش متعددی است، به همین ترتیب به من کمک کرد. بیش از هر چیز، مایلم تا سپاس خود را به سفیر جان لیمبرت^۵ و استاد مایکل آکسورثی^۶، دو کارشناس نام‌آور امور ایران، تقدیم دارم که از وقت خود برای خواندن و ابراز نظر دربارهٔ این اثر مایه گذاشتند.

نیون، سوئیس، آوریل ۲۰۱۸، داریوش بایندر

1. Palgrave

2. Megan Laddusaw

3. Christine Pardue

4. Susan Kaufman

5. John Limbert

6. Micheal Axworthy